

دکتر کایل دانهام، ساختار و الهیات

امثال، جلسه ۲

کایل دانهام و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر کایل دانهام هستم در تدریسش در مورد ساختار و الهیات امثال. این جلسه دوم، حکمت پیشرفته و کاربرد اجتماعی است.

حالا می‌خواهیم به بخش بعدی برویم، که نگاهی به بقیه‌ی کتاب امثال است.

ما با این بررسی شروع کردیم که چگونه کتاب امثال، به نظر من، عمداً به گونه‌ای تنظیم شده است که یک جوان بی‌تجربه را به سمت کاربردهای بیشتر حکمت پیچیده و دقت فکری سوق دهد. و این در مقدمه کتاب آغاز می‌شود و به طور خلاصه بیان شده است. و دفعه قبل دیدیم که چگونه هفت آیه اول کتاب امثال به عنوان دروازه‌ای به سوی حکمت آن عمل می‌کند.

به عبارت دیگر، بر فضایل درستکاری، عدالت و درستکاری تمرکز دارد. آن را به عنوان امثال سلیمان و به عنوان حرکتی به سوی ترس از یهوه قاب بندی می‌کند. به عبارت دیگر، ترس از یهوه آغاز دانش است، اما احماق از حکمت و اصلاح بیزارند.

دفعه‌ی پیش که به مقدمه، یعنی نه فصل اول کتاب، نگاه کردیم، استدلال کردم که این فصل‌ها به عنوان یک برنامه‌ی آموزشی ابتدایی برای جوان در محیط خانه، تحت سرپرستی پدری که با خرد زنانه و صدای ضمنی مادر همراه است، عمل می‌کنند تا شخصیت جوان را شکل دهند، زیرا او در آستانه‌ی ورود به بزرگسالی مستقل است و در حالی که مشتاق اشکال بزرگتر و بزرگتری از رهبری است، با خطرات و خواسته‌های جهان روبرو می‌شود. و اکنون ما به مرحله‌ی بعدی می‌رویم. بنابراین، هفت مجموعه‌ی خرد وجود دارد و ما به اولین مجموعه‌ی خرد، فصل‌های اول تا نهم، نگاه کردیم.

و حالا قرار است مجموعه حکمت بعدی را ببینیم، که سلیمان یک است. سلیمان یک، من آن را به عنوان حکمت بنیادی مطرح کرده‌ام. یعنی، ما از حکمت ابتدایی به حکمت بنیادی حرکت می‌کنیم.

نکات کلیدی مورد نیاز چیست؟ در امثال ۱:۱۰ زیرعنوانی وجود دارد که نشان می‌دهد این بخش نیز ذیل حکمت سلیمان قرار دارد. و به همین دلیل است که اغلب آن را سلیمان یک می‌نامند. همچنین ۳۷۵ ضرب‌المثل در این مجموعه وجود دارد که برابر با ارزش عددی نام سلیمان در زبان عبری است.

چندین ارتباط به مقدمه و بخش‌های بعدی اشاره دارند، همانطور که ما این بخش را بررسی می‌کنیم. این کلمات قصار، رویکردهای اساسی به خرد را در اختیار ما قرار می‌دهند. در اینجا مثال‌ها و سناریوهای ملموس‌تری وجود دارد که زمینه اجتماعی در حال توسعه‌ای را برای اصولی که در مقدمه توضیح داده شد، فراهم می‌کند.

و اغلب این بخش به دو بخش تقسیم می‌شود. این دو بخش شامل ضرب‌المثل‌های متضاد است که در فصل‌های ۱۰ تا ۱۵، حکیم عادل را در مقابل نادان شرور قرار می‌دهد، و ضرب‌المثل‌های ترکیبی که در فصل‌های ۱۶ تا ۲۲ بر حاکمیت خدا و پادشاه حکیم عادل تمرکز دارند. تفاوت این است که ضرب‌المثل‌های متضاد از اشکال متضاد استفاده می‌کنند تا جوینده حکمت را از انواع درست رفتار و افراد مناسب برای معاشرت در مقابل انواع نادرست رفتار و افراد آگاه کنند.

این نظر که یک هنجار خاص را تقویت می کنند، کمی پیچیده تر هستند. بنابراین، می توان گفت که آنها یک سطح پایه ارائه می دهند و سپس آن را تقویت می کنند تا درک بهتری از یک موضوع خاص ارائه دهند. در اینجا شباهت هایی با حکمت مصری وجود دارد که نشان می دهد این به عنوان بخشی که مجموعه ای یکپارچه است، درک می شده است.

و در بخش بعدی، یعنی سخنان حکیمان در آیه 22:17، اشاراتی وجود دارد که سخنان حکیمان در آیه 1:6 را منعکس می کند. بنابراین، ما برخی از ارتباطات ادبی را می بینیم که درک ما از کتاب را شکل می دهند. در اینجا، تقابل بین حکمت و حماقت بانوان در پایان مقدمه، مقدمه ای بر ضرب المثل های متضاد فصل های 15 تا 15 است. به عبارت دیگر، سلیمان فصل 1 الف، فصل های 10 تا 15، بر این دسته های متضاد یا 10 دوتایی حکمت و حماقت تمرکز دارد.

کریستوفر آنسبری خاطرنشان کرده است که در این کلمات قصار، ابعاد انسان محور وجود دارد. به عبارت دیگر، دغدغه ای برای وجود و تجربه انسانی وجود دارد که به مقولات خاصی مانند سلطنت مربوط می شود چگونه فرد جوان شروع به فکر کردن در مورد سلطنت می کند؟ و این تفکر در مراحل بعدی کتاب توسعه یافته و به سمت پیچیدگی بیشتر حرکت می کند.

جامعه و خانواده و سپس دغدغه های خدامحورانه یا دغدغه هایی که بر جهت گیری الهیاتی متمرکز هستند وجود دارد. این موارد شامل نگرش یهوه نسبت به انواع خاصی از شخصیت ها و تمایز بین کسانی که او آنها را دوست دارد و کسانی که آنها را محکوم می کند، می شود. و بنابراین، در این زمینه، می بینیم که تیپ های شخصیتی که اتفاقاً در مقدمه معرفی شده اند، اکنون به شیوه های بهتری توسعه یافته اند.

زن بیرونی دیگر نقطه کانونی نیست. او در انتهای این مجموعه دوباره معرفی خواهد شد. اما در عوض ما به سمت آمادگی برای درک بیشتر و پیمایش جهان حرکت می کنیم.

یکی از مواردی که باید در اینجا به آن اشاره کرد، نصیحت پدر به پسر و حکمت پدر و مادر است که به ابتدای سخنرانی ها برمی گردد، جایی که پدر نیز در فصل اول و آیه هشتم، پسر را نصیحت می کند که به توصیه های والدینش گوش دهد. همچنین در اینجا استفاده قابل توجهی از واژگان حکمت آمیز وجود دارد که برخی از نگرانی های موجود در مقدمه را منعکس می کند. در 10 سخنرانی مقدمه، تکرار کلماتی مانند پسر، آموزش، حکمت، دانش، حيله گری، تدبیر، تعلیم و دستورات را می بینیم.

و بنابراین، دوباره، با رشد و تکامل فرد جوان، تمرکز بر این عناصر وجود دارد. سلیمان ۱ ب، فصل های ۱۶ تا این مضامین را تقویت می کنند. به عبارت دیگر، هرچه به بخش دوم سلیمان ۱ می رسیم، با ارائه تصویری ۲۲ پیچیده تر و ظریف تر، مضامین را تقویت می کند.

در اینجا، جهان با چالش ها و پیچیدگی های بیشتری دیده می شود و رهبر تازه کار بهتر می فهمد که چگونه از دام های همراه با آن عبور کند. آموزش خرد در اینجا، تصویری ظریف تر از مضامین مربوط به سلطنت به عنوان داور قدرت الهی را ارائه می دهد. به عبارت دیگر، به جای سلطنت در جهانی دوگانه، در بخش اول اینجا، پیچیدگی بیشتری وجود دارد.

او داور قدرت الهی است. جامعه نه تنها به مکانی تبدیل می شود که فرد جوان در آن زندگی می کند، بلکه به جایی تبدیل می شود که او باید تصمیمات مالی محتاطانه ای بگیرد. خانواده از قلمرویی که او در آن رشد و بلوغ و توسعه می یابد، به بستری تبدیل می شود که خود او در آن به دنبال هماهنگی، صلح و عدالت در چارچوب یک رابطه زناشویی است.

و این نشان دهنده‌ی حرکت پیچیده‌تری است. همچنین در اینجا نگرانی‌های خدامحورانه‌ای در مورد رفتار یهوه نسبت به صالحان و گناهکاران وجود دارد. اما در اینجا تمرکز بیشتری بر عدالت، علم مطلق الهی و حاکمیت الهی وجود دارد.

به نظر من، ویلیام براون به طور قانع‌کننده‌ای نشان داده است که امثال در این دو بخش، حرکتی پویا از ساده به پیچیده را در زمینه‌های مختلف نشان می‌دهند. این حرکت در امتداد خطوط زیر از پیوندهای خانوادگی به دوستی‌های اجتماعی، از تیپ‌های شخصیتی ملموس به ویژگی‌های شخصیتی انتزاعی، از سکوت پرورش‌یافته، یعنی دانستن زمان سکوت، به فصاحتی که با صداقت و انواع صحیح گفتار مشخص می‌شود، و از پارسایی بی‌پیرایه به عدالت اجتماعی پیچیده‌تر، ادامه می‌یابد. به عبارت دیگر، هنجارهای تورات چگونه در بستر جامعه‌ای که رهبر باید عدالت را مطابق با شخصیت خود یهوه اجرا کند، عینیت یافته و به اجرا در می‌آیند؟

بنابراین، سلیمان ۱ ب با تمرکز بر محدودیت‌های حکمت، یهوه به عنوان منبع واقعی حکمت، و حتی استثنائات حکمت و حماقت، که در ابتدا می‌توان در تضادهای سلیمان ۱ الف یافت، پیچیدگی بیشتری را ارائه می‌دهد. بنابراین، دوباره، فقط برای تکرار اینجا، سلیمان ۱ به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول، امثال متضاد است که عادلان خردمند را در مقابل شریران نادان قرار می‌دهد.

و اینجا، مثال‌ها و سناریوهای عینی غالب هستند. اینجا جایی است که جوان درباره انواع چیزهایی که در جهانی که آرزویش را دارد رخ می‌دهد، می‌آموزد. و او مثال‌ها و سناریوهای عینی را می‌آموزد که در آنها خرد به کار گرفته می‌شود.

و سپس در بخش دوم، ما ضرب‌المثل‌های ترکیبی داریم و این ضرب‌المثل‌ها با تنوع بیشتری بر حاکمیت خداوند و نقش پادشاه حکیم عادل تمرکز دارند. من گاهی اوقات آن را به این واقعیت تشبیه می‌کنم که وقتی یک جوان شروع به تجربه دنیای بزرگسالان می‌کند، ابتدا باید افراد مناسب برای معاشرت، ساختار صحیح اقتدار و نحوه پیمایش در جهان را درک کند تا شما عاقلانه و با موفقیت رشد و بلوغ کنید و خرد را به کار بگیرید. اما همچنان که او پیچیده‌تر می‌شود، شما شروع به دستیابی به تصویری ظریف‌تر از انواع رهبرانی که شما را احاطه کرده‌اند، انواع روسای که ممکن است در حین کار در محل کار خود داشته باشید، می‌کنید.

و بنابراین، پیچیدگی بیشتری در کاربرد خرد وجود دارد. پیچیده‌تر می‌شود. و بنابراین، شما شروع به دیدن این می‌کنید که عنصر انسانی، بخشی از بلوغ است.

دارد درک دقیق‌تری از دنیای اطرافمان و انواع آدم‌هایی که در آن زندگی می‌کنند پیدا می‌کند. با علم به اینکه یک جوان اغلب ارزش یک شخصیت را قضاوت می‌کند. اینکه آن شخص خوب است یا بد؟ اما با بزرگ شدن و بالغ شدن، می‌فهمیم که سایه‌هایی از ظرافت و پیچیدگی وجود دارد.

و بنابراین، پیمایش این مسیر، بخشی جدایی‌ناپذیر از به‌کارگیری خرد می‌شود. بنابراین، بخش دوم، این سناریوی پیچیده‌تر را در رابطه با اقتدار، پول و خانواده ارائه می‌دهد. دانستن چگونگی به‌کارگیری خرد در این عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف.

حال، همانطور که در طول مسیر اینجا اشاره کردم، فکر می‌کنم در درزهای این ارتباطات، در این مجموعه‌های حکمت، نشانه‌هایی می‌یابیم که آنها عمداً کنار هم قرار گرفته‌اند، هم برای تکرار مطالب قبلی و هم برای سوق دادن خواننده به مرحله بعدی. بنابراین، درزهای آغازین و پایانی این بخش‌ها بر مطالبی که عمداً مرتب شده‌اند تمرکز دارند که نشانه‌هایی برای یادگیرنده‌ای هستند که مشتاق است با تسلط بر این مطالب، رهبری کند تا این فضایل را در ذهن و شخصیت خود نهادینه کند. و بنابراین، همانطور که فصل

آیات ۱ تا ۸ را شروع می‌کنیم، فکر می‌کنم در آنجا متوجه می‌شویم که حکیم به ادامه برنامه آموزشی ۱۰ مقدمه اشاره می‌کند.

او در هشت آیه اول فصل دهم بر ویژگی‌های شخصیتی عادلان و خردمندان به عنوان اجزای جدایی‌ناپذیر جستجوی موفقیت‌آمیز حکمت تمرکز می‌کند. بنابراین، در هشت آیه اول فصل دهم، امثال چهار بار در آیات دو، سه، شش و هفت به عادلان و دو بار در آیات ده، یک و هشت به پسر یا قلب خردمند اشاره می‌کند. این امثال اخیر با مقایسه حکمت و حماقت در آیات میانی دو و سه و شش و هفت، این واحد را شکل می‌دهند و نمونه‌هایی از انواع شخصیت‌های درستکار و شرور ارائه می‌دهند.

بنابراین، فکر می‌کنم وقتی این موضوع را با هم تحلیل می‌کنیم، کنار هم قرار گرفتن این اصطلاحات حکمت نشان دهنده افزایش تدریجی آموزش حکمت است و در طول برنامه درسی از حکمت ۱ در ابتدای سلیمان ۱ و اصلاح، که در مقدمه دیدیم، به سمت عدالت و شخصیت تجسم یافته کسی که حکیم است در فصل the wise و همچنین جمع آن، hakam، اول آیات ۳ و ۵ حرکت می‌کند. این شخص حکیم، اصطلاح عبری به شخصیت‌های قابل توجه در این بخش تبدیل می‌شوند. کلمه حکیم مفرد ۱۷ بار از ۳۰ بار کتاب در این، بخش آمده است.

این شخصیت نه بار در سلیمان ۱ الف و هشت بار در سلیمان ۱ ب ظاهر می‌شود. تنها در این مجموعه، پسر خردمند به عنوان زیرمجموعه‌ای از فرد خردمند ظاهر می‌شود. همچنین خردمند دل در فصل‌های ۱۰ و ۱۶ ظاهر می‌شود.

و موارد استفاده از کلمه خردمند به صورت جمع نیز در اینجا بیشترین همخوانی را دارد. از هر ۱۷ مورد، ۱۰ متمرکز شده است. بنابراین ۱۰ مورد از این اصطلاح در کتاب وجود دارد که به جز یک مورد در سلیمان ۱ خردمندان معمولاً درگیر انواع خاصی از رفتار، گفتار محتاطانه و گوش دادن پذیرا هستند و این امر در روش‌های مختلفی که خردمندان ارائه می‌شوند، تأیید می‌شود.

ما از اصطلاح هم‌آیند برای اشاره به انواع اصطلاحاتی استفاده می‌کنیم که خردمندان با آنها مرتبط هستند. و آنها به چیزهایی مانند زبان در فصل‌های ۱۲ و ۱۵ و لب‌ها در فصل‌های ۱۴ و ۱۵ مرتبط هستند. خردمندان به عنوان دروازه‌بانان و اشاعه‌دهندگان خرد عمل می‌کنند، نوعی همراه که فرد جوان باید در این مرحله آستانه‌ای رشد به سمت بزرگسالی مستقل به دنبال آنها باشد.

بنابراین، این آغاز سلیمان ۱ است و بر این نوع شخصیت حکیم تمرکز دارد. در نهایت، سلیمان ۱ با اشاره به پادشاه در آیات ۲۰ تا ۱۱ و به قلمرو الهی دانش در آیات ۲۰ تا ۱۲ به پایان می‌رسد. همچنین، در آیات ۲۰ تا ۱۵ بر اهمیت توجه به اصلاح و تربیت تمرکز دارد.

این کلمات قصار به عنوان پایانی بر این بخش ادبی عمل می‌کنند. آنها به فرزانه‌ی مشتاق یادآوری می‌کنند که به اقتدار احترام بگذارد، اقتداری که اکنون از خانه به کاخ منتقل شده است. بنابراین، به جای اینکه پدر در مرکز و جلو باشد، اکنون پادشاه نقش برجسته‌تری را ایفا می‌کند.

کارمند تازه‌کار با گوش دادن به نصیحتی که به او می‌شود، بر انضباط شخصی مناسب تسلط پیدا می‌کند. این نوع تسلط بر نفس، دانش بیشتری را از جانب خود یهوه پرورش می‌دهد، که بر انتشار حکمت به جوینده حکمت مورد علاقه در ۲۰ تا ۱۲ نظارت دارد. بنابراین، اهداف اولیه مقدمه تکرار می‌شوند و در اینجا برای فرزانه مبتدی، فرزانه تازه‌کار، با پیشرفت او در مراحل حکمت، تکرار می‌شوند.

در اینجا، آموزش خرد، فرزندگان را ملموس می‌کند. آنها در قالب مادی تجسم می‌یابند و نمونه‌ای از انواع و الگوهای رفتار و تصمیم‌گیری هستند که جوان نوظهوری که به دنبال خردمند شدن است باید از آنها تقلید کند. و بنابراین، همانطور که او از این مرحله عبور می‌کند، با این دنیای دوگانه که به سمت پیچیدگی پیش می‌رود، روبرو می‌شود.

او باید بر این تیپ شخصیتی از خردمندان که دروازه‌بانان و اشاعه‌دهندگان خرد هستند تمرکز کند. او باید از آنها تقلید کند و با آنها معاشرت کند. و همانطور که به بخش دوم می‌رود، تمرکز بر انواع روابط اجتماعی می‌شود.

پادشاه برجسته‌تر می‌شود و تمرکز دوباره بر انواع اقتداری است که او در جهان وسیع‌تر با آن مواجه خواهد شد و اینکه چگونه به بهترین شکل می‌تواند از این نوع رهبری و دام‌های همراه آن عبور کند. بنابراین، من در اینجا به چندین نکته اشاره کرده‌ام. خردمندان، گروه اجتماعی برجسته هستند.

آنها دروازه‌بانان و همراهان خرد هستند، از آن نوع افرادی که جوان باید آنها را جستجو و تقلید کند. حرکتی از خانواده به سمت انواع مختلف روابط اجتماعی وجود دارد. بنابراین، جوان باید در مورد این خردمندان بیاموزد و رفتار آنها را تقلید کند، زیرا او به دنیایی پیچیده‌تر و ظریف‌تر قدم می‌گذارد تا انواع افرادی را که با آنها روبرو خواهد شد، درک کند.

و سپس به بخش دیگری پس از این بخش می‌رسیم که با آیه ۲۲:۱۷ به عنوان «سخنان حکیمان» آغاز می‌شود. متن با این جمله آغاز می‌شود که اینها نیز سخنان حکیمان هستند. و دلایل متعددی وجود دارد که احتمالاً این به عنوان یک زیرعنوان ادبی عمل می‌کند و گفتمان جدیدی را تشکیل می‌دهد.

اول، سخنان حکیمان را داریم که به مقدمه برمی‌گردد. ما در مورد اینکه چگونه مقدمه در فصل اول آیه ششم، یکی از دسته‌های حکمت را که جوان باید به عنوان سخنان حکیمان دنبال کند، ارائه می‌دهد، بحث کردیم. و اکنون می‌بینیم که این امر در آیه 22:17 به صورت عینی بیان شده است تا هدفی برای کتاب ارائه دهد.

یعنی این فرزندگان که خردمند هستند، سخنانی می‌گویند که جوان باید در زندگی خود نهادینه کند. و این یکی از دلایل اصلی مقدمه است. همچنین می‌بینیم که ژانر، نوع آموزش در اینجا به گفتمان پرانتزگونه تغییر می‌کند.

یعنی، به جای صرفاً به ضرب‌المثل‌های دو خطی که فصل‌های ۱۰ تا ۲۲ را مشخص می‌کردند، به هشدار، فرمان و آموزش. در این بخش ۴۶ فرمان داده شده است و دو سوم آنها ممنوعیت‌ها هستند. و بنابراین اکنون به جوان فراتر از کلمات قصار کم و بیش دوتایی سلیمان ۱ آموزش داده می‌شود تا با رفتار، تفکر و نگرش نسبت به چیزهای خاص مطابقت داشته باشد.

تقریباً می‌توانیم این را الان ببینیم، وقتی جوان به حوزه بعدی پیچیدگی می‌رود که در آن دید بیشتری وجود دارد، جایی که رهبری عمومی بیشتری وجود دارد. ابتدا باید به او آموزش داده شود که چه کاری را نباید انجام دهد. و بنابراین، ما اینجا تمرکز را روی این دستوراتی می‌بینیم که جوان باید از انجام آنها اجتناب کند.

بنابراین، آموزش خرد از پدر به فرزندگان، از خانه به دربار سلطنتی منتقل می‌شود. و اکنون می‌توان گفت که با رنگ و بوی جهان‌شهری آمیخته شده است. دلیل دیگری که فکر می‌کنم این بخش دیگری است این است که مقدمه‌ی خاص خود را دارد.

این متن با مقدمه‌ای در آیات ۱۷ تا ۲۱ از باب ۲۲ آغاز می‌شود که شامل یک نصیحت و انگیزه رسمی است و به دنبال آن هدف از دستورالعمل‌ها و شناسایی مخاطب بیان می‌شود. بنابراین، اگر بخواهیم به این متن نگاه کنیم، با این جمله شروع می‌شود: گوش خود را فرا بگیرید و سخنان حکیمان را بشنوید، قلب خود را به دانش من معطوف کنید، زیرا اگر آنها را در خود نگه دارید و همه آنها بر لبان شما حاضر باشد، خوشایند خواهد بود. و در ادامه می‌گوید: توکل شما بر خداوند باشد.

من امروز آنها را برای تو آشکار کردم، حتی برای تو. آیا من سی گفتار پندآمیز و دانش آموز برای تو ننوشته‌ام تا تو را بدانم چه چیزی درست و حقیقی است، تا بتوانی به کسانی که تو را فرستاده‌اند، پاسخی درست بدهی؟ بنابراین، ساختار خاص خود را دارد، که نشان می‌دهد بخشی جداگانه است.

و چهارم، دلیل جدید بودن این بخش، شناسایی این رژیم آموزشی است که نوید بازگشت به کسانی را می‌دهد که شما را در تاریخ ۲۲.۲۱ فرستاده‌اند. این نشان می‌دهد که در اینجا ما یک زیربخش آموزش ویژه برای رهبران اجتماعی-سیاسی نوپا داریم که نیاز به آموزش در قوانین و آداب دربار سلطنتی دارند. آنها قرار است نسل بعدی رهبران نوظهور باشند. و بنابراین، آنها باید گزارشی به کسانی که آنها را فرستاده‌اند، ارائه دهند.

بنابراین، آنها باید ماهیت آداب و معاشرت و رفتار در دربار سلطنتی را درک کنند. ما در جاهای دیگر متوجه شده‌ایم که این موضوع با برخی از نویسندگان مصری، مانند دستورالعمل‌های آمنمپ، نیز شباهت‌هایی دارد. و من فکر می‌کنم این موضوع حول این واقعیت می‌چرخد که خردمندان در اینجا به گروهی بسیار برجسته تبدیل می‌شوند.

ما متوجه شدیم که حکیمان ۱۷ بار در کتاب ظاهر می‌شوند و در بخش آخر مکرراً ظاهر می‌شوند. و اکنون آنها در این بخش مهم هستند زیرا این واحد، این مجموعه حکمت را رهبری می‌کنند. در آیه ۱۷:۲۲، این سخنان حکیمان است.

و در بخش بعدی در ۲۳:۲۴، آن را به عنوان یک عنوان ادبی نیز می‌بینیم. و بنابراین، آنها باید به صورت گروهی به دنبال حکمت باشند. حکیمان انواع رفتارهای مناسب را در سلیمان ۱ نشان می‌دهند. و اکنون آنها با ارائه مطالب آموزشی برای شکل‌گیری حکیم مشتاق، حکمت را صریح‌تر نشان می‌دهند.

و در اینجا، تذکرات آنها به عنوان اصلاحیه‌ای برای افراط‌های احتمالی ناشی از انگیزه‌های جوانی عمل می‌کند. آنها پایه و اساسی برای خرد حرفه‌ای پرهیزگاران در چارچوب رهبری رسمی فراهم می‌کنند. به طور خاص، این بخش بر نگرش‌ها و اقدامات مناسب نسبت به پادشاه و مهارت‌های لازم برای عبور موفقیت‌آمیز از الزامات خدمت سلطنتی تمرکز دارد.

و بنابراین، دوباره، تمرکز بر روی فرد جوانی است که آماده زندگی و کار در دربار سلطنتی است و به بهترین شکل می‌داند چگونه از الزامات و خطرات خاص پروتکل که همراه زندگی در دربار سلطنتی است، عبور کند. همانطور که می‌توانید تصور کنید، این زندگی در هر لحظه مملو از خطر بالقوه بود. و بنابراین، فرد خردمند هنگام ورود به دربار سلطنتی نیاز داشت که این فضایل در او القا شود تا بداند چه کاری باید انجام دهد و چه کاری نباید انجام دهد.

و بنابراین، ویژگی‌های خاصی او را توصیف می‌کردند. و من فکر می‌کنم وقتی به حکمت نهفته در کتاب نگاه می‌کنیم، این را می‌بینیم. یکی از این ویژگی‌ها این است که یک رهبر نوظهور از اعمالی که مردم عادی را خشمگین، تحقیر یا استثمار می‌کند، اجتناب می‌کند.

او نباید فقرا را له کند، سنگ‌های مرزی را جابجا کند یا به اموال صالحان حمله کند. بنابراین، او باید کارهایی انجام دهد که عدالت اجتماعی را در چارچوب رهبری اجتماعی-سیاسی به نمایش بگذارد. او نباید کارهایی انجام دهد که فقرا، محرومان یا کسانی را که در جامعه در حال مبارزه هستند، له کند.

او ترجیح می‌دهد به آنها عدالت و مهربانی نشان دهد، و همچنین از دوستی با افراد نامناسب اجتناب کند. انواع خاصی از افراد در این بخش به تصویر کشیده شده‌اند. کسانی که تندخو، خسیس، احمق و سهل‌انگار هستند.

و وسوسه‌ای که جوان را فرا می‌گیرد، معاشرت با افرادی است که ممکن است قدرتمند به نظر برسند، کسانی که ممکن است به نظر برسد نقطه شروعی برای پیشرفت هستند. و بنابراین، در این بخش به جوان توصیه می‌شود که از آن دسته از شخصیت‌هایی که منجر به پیامدهای مخرب می‌شوند، دوری کند. کسانی که با خشم و حماقت و خودخواهی مشخص می‌شوند، زیرا این نوع رفتارها، جوان را نابود می‌کند.

فقط چند نکته دیگر. او باید از خدا و پادشاه بترسد. او باید به طور خاص بر نوع صحیح احترام به خدا و پادشاه تمرکز کند، اما همچنین باید کار درست را انجام دهد، حتی در مواجهه با خصومت، شجاعت اخلاقی. برای انجام کار درست را داشته باشد.

که در انتهای این بخش خواهیم دید. او کسانی را که به سوی مرگ برده می‌شوند، نجات خواهد داد و کسانی را که به سوی قتلگاه می‌روند، باز خواهد داشت. اگر می‌گویید، این را نمی‌دانستیم، آیا آن که دل را می‌سنجد آن را درک نمی‌کند؟ آیا آن که بر جان شما نگرهبانی می‌دهد، آن را نمی‌داند؟ و او انسان را بر اساس اعمالش پاداش نخواهد داد.

و بنابراین، او باید به مقامات احترام بگذارد، اما همچنین باید کارهایی انجام دهد که نیاز به شجاعت اخلاقی در چارچوب عدالت و درستکاری و همه این موارد دارد. و بنابراین، همه اینها بخشی از خردی است که او باید در این مرحله از یادگیری خود داشته باشد. همانطور که ما در حال گذر از این مرحله بوده‌ایم، به این موضوع توجه کرده‌ایم که چگونه به طور خاص درزها یا ارتباطات بین مجموعه‌ها، این رژیم آموزشی را پیش می‌برد.

و فکر می‌کنم این را در این بخش خاص نیز می‌بینیم. مقدمه بر درستکاری، عدالت و درستکاری متمرکز است. و این نگرانی‌ها در لابه‌لای سخنان آغازین و پایانی حکیم اول و دوم نیز تکرار می‌شوند.

بنابراین، پس از مقدمه‌ی مقدماتی و گفته‌های آن حکیم، این مقدمه با دستورالعمل‌هایی در مورد رفتار عادلانه با فقرا آغاز می‌شود. چگونه باید با فقرا رفتار کرد؟ و در اینجا موضوع عدالت برجسته است. توصیه‌ها از اجتناب از تعهدات امنیتی تا اجتناب از جابجایی علائم مرزی باستانی را شامل می‌شود.

اینها اشاراتی به حفظ سنت‌ها و حقوق کسانی است که در جامعه مورد سوءاستفاده، آزار و اذیت و بدرفتاری قرار می‌گرفتند. و بنابراین، رهبر مناسب که مظهر هنجارهای تورات بود، باید عدالت، درستکاری و درستکاری را حتی نسبت به فقرا نشان می‌داد. این بخش با اشاراتی به مرد صالح در آیات ۲۴، ۱۵ و ۱۶ به عنوان کسی که در مقام رهبری، سختی‌ها را تحمل می‌کند، به پایان می‌رسد.

او با درک اینکه رهبری اجتماعی نیازمند جسارت و پشتکار فراوان است، در این زمینه‌ها نصیحت و تشویق می‌شود. پادشاه در پایان بخش اول به عنوان کسی که باید در کنار یهوه از او ترسید، ظاهر می‌شود. و این یادآور پایان مقدمه در ۹:۱۰، یعنی ترس از یهوه است.

و این مقدمه‌ای است برای پایان کتاب، جایی که دوباره بر ترس از یهوه تأکید می‌شود. بخش دوم، ۲۳:۲۴، دومین سخنان حکیمان، نیز با اشاراتی به عدالت و درستکاری آغاز می‌شود. این بار از طریق مثالی منفی، که پیچیدگی بیشتری به اندرزهای بخش اول می‌افزاید.

بنابراین، مانند سلیمان ۱، سخنان حکیم ۲ نیز با اشاره به اهمیت اصلاح در شکل‌گیری حکیم در ۲۴:۳۲ به پایان می‌رسد، که اصلاح بخش ضروری از رشد اوست. در اینجا، اصلاح از یک داستان نمونه منفی با محوریت یک تنبل، تنبلی که تمایلات احمقانه‌ای از خود نشان می‌دهد، پدیدار می‌شود. و این تمایلات باید برای جوانی که در حال پیشرفت در حکمت است، اجتناب شود.

و بنابراین، دوباره، گفته‌های حکیمان، جوان را برای این وظیفه در دربار سلطنتی آماده می‌کند. آنها همچنین زمینه را برای بخش بعدی، سلیمان ۲، فراهم می‌کنند که بیشتر بر شخص پادشاه، نوع رفتاری که آن رهبر نشان می‌دهد و نحوه هدایت آن توسط جوان تمرکز خواهد کرد. بنابراین، همانطور که به سلیمان ۲ می‌رسیم، فصل ۲۵ و آیه ۱ سرخ دیگری در مورد این بخش به ما می‌دهد.

می‌گوید، اینها نیز امثال سلیمان هستند که مردان حزقیاء، پادشاه یهودا، آنها را کپی می‌کنند. و در اینجا بخش دوم سلیمان را داریم و من این بخش را حکمت متعالیه، حکمت متعالیه نامگذاری کرده‌ام. بنابراین، ما از حکمت ابتدایی به حکمت بنیادی می‌رسیم.

و سپس با سخنان حکیمان، حکمت میانی را دیده‌ایم و اکنون به حکمت متعالی می‌رسیم. این سطح دیگری از حکمت است. و این بخش، جامع‌ترین خلاصه‌ای از توصیه‌ها در مورد امور دربار سلطنتی را ارائه می‌دهد.

این بخش از نظر عنوان ادبی و احتمالاً از نظر ترتیب قرارگیری در دو زیربخش، شباهت‌هایی با سلیمان ۱ دارد. بنابراین، همانطور که در سلیمان ۱ داشتیم، در سلیمان ۲ نیز دو بخش می‌یابیم. به یاد داشته باشید که سلیمان ۱ به فصل‌های ۱۰ تا ۱۵ و ۱۶ تا ۲۲ تقسیم شده است. و به طور مشابه، در اینجا، در دو بخش، فصل‌های ۲۵ تا ۲۷ و فصل‌های ۲۸ تا ۲۹ را می‌بینیم.

و بنابراین، این بخش با امثال نمادین آغاز می‌شود که رفتار مناسب را در یک زمینه سلطنتی ترسیم می‌کنند و با امثال متضاد که بر عدالت و تورات در زمینه دربار سلطنتی تمرکز دارند، به پایان می‌رسد. این بخش اخیر مجموعه‌ای از امثال متضاد را دوباره معرفی می‌کند و دو مجموعه سلیمان را به چرخه کامل می‌رساند و حلقه مجموعه اول را می‌بندد. برخلاف اشارات قبلی به پادشاه که مثلاً در سلیمان ۱، فصل‌های ۱۴، ۱۶ و ۲۲ یا در سخنان حکیمان در فصل ۲۴ می‌یابیم، این بخش به طور فزاینده‌ای پادشاه را به عنوان فردی ناقص، رهبری ناقص، که مستعد انحراف عدالت است و اغلب فاقد خویشتن‌داری است، معرفی می‌کند.

او اغلب توسط قدرت فاسد می‌شود و فساد او بر توانایی رهبری‌اش تأثیر می‌گذارد. همچنان که مخاطب ضمنی امثال به تدریج از این مراحل خرد عبور می‌کند، اکنون آماده می‌شود تا نقش رهبری اولیه خود را در نزدیکی بیشتر به پادشاه متمرکز کند و بنابراین به مشاهده و نقد کاستی‌های حاکم نزدیک‌تر می‌شود. در مقاله ژورنالی که در سخنرانی اول به آن اشاره کردم، این آموزه بر اساس مقاله ژورنالی است که در سال ۲۰۱۹ در بولتن تحقیقات کتاب مقدس، جلد سوم، منتشر شد.

در آن، من جدولی را گنجانده‌ام که تعدادی از ضرب‌المثل‌های این بخش را نشان می‌دهد که پادشاه را به عنوان فردی ناقص، مستعد فساد و مستعد بی‌عدالتی معرفی می‌کنند. و بنابراین، پادشاه را باید به شیوه‌ای پیچیده‌تر و ظریف‌تر، بله، به عنوان رهبری که قدرت و برتری الهی را منعکس می‌کند، درک کرد، اما همچنین کسی که باید به روش‌های صحیح از او ترسید و او را درک کرد تا بتوان در حضور او با موفقیت حرکت کرد. و بنابراین، در این بخش دوم، این تأکیدات بر عدالت، عدالت و درستکاری نیز مطرح می‌شوند.

بنابراین، همانطور که پیش رفتیم، اشاره کردم که چگونه درزهای این بخش‌ها، این برنامه آموزشی را پیش می‌برند. این را در این بخش در سلیمان ۲ نیز می‌بینیم. در سلیمان ۲، برنامه آموزشی مقدمه به سمت مراحل پایانی خود پیش می‌رود. بنابراین، در مقدمه اشاره کردم که ما حرکتی از خرد و اصلاح، انواع ساده اصطلاحات خرد دوتایی، به پیچیدگی بیشتر داریم، همانطور که در زنجیره کلمات خرد حرکت می‌کنیم.

همینطور که پیش می‌رویم، کلماتی مانند سخنان حکیمان و امثال را می‌بینیم، و این دوباره در فصل اول در آیه ششم ذکر شده است. و بنابراین، دوباره در اینجا شاهد بازگشت به کلمات قصار یا امثال هستیم. تمرکز بر پادشاه برجسته است.

اصطلاح پادشاه پنج بار در عنوان و در آیات آغازین امثال ۲۵، ۱ تا ۳ و ۵ تا ۶ ذکر شده است. در جاهای دیگر این بخش، اصطلاحات دیگری را می‌بینیم که برای مقاماتی که بر ملت حکومت می‌کنند، استفاده می‌شود. این اصطلاحات شامل عباراتی مانند حاکم در آیات ۲۸، ۱۵، ۲۹، ۲، ۱۲ و ۱۶، شاهزاده در آیات ۲۸ و فرمانده در آیات ۲۸، ۲ می‌شود. بنابراین، دوباره، تمرکز بر رهبری است. همگرایی مقدمه شامل ۱۶، ۲۸، عدالت، درستکاری و درستکاری در اینجا، در لایه‌های سلیمان ۲، به ویژه در ارتباط آن با دربار سلطنتی، قابل توجه است.

عدالت به طور خاص، ویژگی‌ای است که در ابتدای این بخش، در آیه ۲۵، آیه ۵، تخت پادشاه را تثبیت می‌کند، که می‌گوید: شریان را از حضور پادشاه دور کنید تا تخت او در عدالت استوار شود. بنابراین، این ویژگی‌های شخصیتی آشکارا مورد توجه هستند. در پایان بخش، ویژگی‌های عدالت، عدالت و درستکاری دوباره به ترتیب نزدیک به هم قرار گرفته‌اند.

بنابراین، ما این را در آیات ۲۹ و ۲۶ می‌بینیم، جایی که عدالت قانونی که یک انسان انتظار دارد در نهایت از جانب یهوه صادر می‌شود نه از جانب حاکم. بنابراین عدالت از جانب خداوند می‌آید. این مضمون به طور کلی‌تر در آیات ۲۹ و ۷ آمده است، جایی که مردی که با بی‌عدالتی مشخص می‌شود، برای صالحان منفور است. است، در حالی که مردی که با درستکاری مشخص می‌شود، برای شریان منفور است.

و دوباره، همانطور که در بخش‌های قبلی دیدیم، نیاز به اصلاح را می‌بینیم که در انتهای این بخش ظاهر می‌شود. قبلاً دیده‌ایم که چگونه تمرکز بر اصلاح در پایان چندین مرحله قبلی صورت می‌گیرد. در اینجا دوباره، تمرکز بر اصلاحی وجود دارد که به طور مشابه با عملکرد آن در پایان سلیمان ۱ در ۲۲، ۱۵ و با گفته‌های دو حکیم در ۲۴، ۳۲ عمل می‌کند.

در هر کاربرد، این امر بر نیاز مداوم به پرورش خویشتن‌داری و خویشتن‌داری در فرزانه‌ی جوان در حال رشد تأکید می‌کند، تا با توجه به آن اصلاح، در هنگام ارائه، اصلاح شود. این موارد در مرزهای ادبی پایانی این بخش‌ها به این شکل عمل می‌کنند و بار دیگر نشان می‌دهند که با پیش رفتن این حرکت خطی، یک ترتیب و تمرکز عمده وجود دارد. سپس در نهایت به دو بخش آخر کتاب، یعنی گفته‌های آگور و لموئل، می‌رسیم.

در گفته‌های آگور، چیزی را داریم که من آن را حکمت معنایی نامیده‌ام. و سپس، همانطور که در گفته‌ها خواهیم دید، حکمت لموئل، حکمت سلطنتی را داریم. بنابراین، اینها فصل‌های ۳۰ و ۳۱ هستند.

دو بخش پایانی از حکیمان گمنام پیشین، یعنی خردمندان، که به یک شخصیت تبدیل می‌شوند، گروهی از مردم که فرد جوان در سلیمان ۱ از آنها پیروی می‌کند، حرکت می‌کنند. و سپس آنها، در واقع، حکمت را رهبری می‌کنند و حکمت سخنان حکیمان را می‌دهند. اکنون حرکتی وجود دارد که آن خردمندانی که ناشناس

هستند، اکنون در این حکیمان خارجی، آگور و لموئیل، شناسایی می‌شوند. یک حرکت رو به بیرون فزاینده وجود دارد.

من این را گاهی به صورت دایره‌های متحدالمرکزی تصور می‌کنم که به سمت حاشیه‌های جنبش حکمت پارسایانه فراتر از اسرائیل حرکت می‌کنند و این فرزنانگان را، به گمان من، ماسایی، احتمالاً غیراسرائیلی توصیف می‌کنند. و ما ابتدا با آگور روبرو می‌شویم، جستجوی حکمت برای این فرزنانگان طاقت‌فرسا بوده است، اما ناامیدکننده نبوده است. آنها احتمالاً غیراسرائیلی هستند.

آنها بر انواع خاصی از خرد تمرکز دارند. اجازه دهید اولین مقدمه را از زبان آگور بخوانم. او می‌گوید مردی اعلام می‌کند، ای خدا، من خسته‌ام، ای خدا، من خسته و فرسوده‌ام.

بنابراین، جستجوی خرد طاقت‌فرسا بوده است، اما ناامیدکننده نبوده است. و بنابراین، این دو بخش پایانی خرد، پایانی شایسته برای برنامه‌ای است که در مقدمه بیان شده است. آنها این کار را با تمرکز بر فضایل فروتنی، حقیقت، نظم، انضباط شخصی و عدالت انجام می‌دهند.

این ویژگی‌هایی که به عنوان هنجارهای تورات ایده‌آل شده‌اند و اکنون در فرزنانگان مشتاق، عینیت یافته و مادی شده‌اند، در یک فرزانه و پادشاه ایده‌آل که این خرد و تمرکز بر این ویژگی‌ها را به نمایش می‌گذارند، تجسم یافته و مجسم می‌شوند. این ویژگی‌ها برای فرزانه تأثیرگذار، آگور، و همچنین برای پادشاه، لموئیل حیاتی هستند تا در حوزه‌های مربوطه خود عمل کنند. بنابراین، اگر بخواهید، خواننده ایده‌آل به چرخه کامل خود رسیده است.

اکنون یک فرزانه‌ی فرهیخته و پادشاهی خویش‌ن‌دار، هدف جوینده‌ی جوان حکمت را تجسم می‌بخشد. آگور به طور خاص در جهتی خاص گام برمی‌دارد و تأیید می‌کند که خداوند منبع حکمت است و حکمت اساساً از طریق آشکارسازی الهی به دست می‌آید. او در نقش خود به عنوان یک فرزانه‌ی برجسته و متنبه‌شده که محدودیت‌های جستجوی دانش خود را تشخیص می‌دهد، حکمت‌مراحل اولیه را به فعلیت می‌رساند.

او خطیبی فروتن اما فصیح است. او در فصل ۳۱، فروتنی، شگفتی و گشودگی به آموزش را به عنوان فضایی که برای کسانی که در آستانه قدرت هستند لازم است، مجسم می‌کند، همانطور که در مورد لموئیل می‌بینیم. کلمات قصار بخش‌های قبلی اکنون با کنایه‌ها و معماهای تفسیری جایگزین شده‌اند.

به یاد داشته باشید که مقدمه از ضرب‌المثل‌های ابتدایی به ضرب‌المثل‌ها و گفته‌های حکیمان و سپس به لطیفه‌ها و چیستان‌های تفسیری می‌رود. می‌خواهم بگویم که این‌ها نشان‌دهنده‌ی نوعی پیچیدگی فزاینده هستند، زیرا جوان دقت فکری‌ای را که از قبل آموخته است، برای درک حقایق عمیق‌تر و ژرف‌تر موجود در جهان به کار می‌گیرد؛ حقایقی که باید با استفاده از آن دقت فکری به شیوه‌ای پیچیده، کشف و آشکار شوند. و بنابراین، آگور با تمرکز بر لطیفه‌ها و چیستان‌های تفسیری، این را تجسم می‌بخشد.

فقط یک نکته در مورد آگور، او ادعای قاطعیت در مورد خرد را ندارد. او می‌گوید که بیش از حد بی‌رحم است که به درک نهایی اعتراف کند و اعتراف می‌کند که فاقد خرد و دانش است. یک عنصر تازه در مورد آگور به ذهن من خطور می‌کند، زیرا خرد، غرور به بار نیاورده، بلکه فروتنی به بار آورده است.

او تشخیص می‌دهد که با کسب خرد، در واقع بیشتر در مورد ضعف، محدودیت‌ها و کمبود دانش خود درک می‌کنید. و اگر سال‌های زیادی زندگی کرده باشید، احتمالاً می‌توانید این ایده را تجربه یا با آن

همذات‌پنداری کنید. من می‌دانم که با یادگیری چیزهای بیشتر و بیشتر، شروع به درک تمام چیزهایی که نمی‌دانم، کرده‌ام.

و بنابراین، جنبه‌ای فروتنانه در جستجوی خرد وجود دارد و آگور این را به شیوه‌ای به یاد ماندنی مجسم می‌کند. پایان مجموعه خرد او، همانطور که خواهیم دید، بر تمرکز مجدد بر مسائل پادشاهی تمرکز دارد. او در فصل 30 آیات 27، 28 و 31 سه بار به اعتبار و تعالی پادشاه اشاره می‌کند.

و به عنوان نقطه مقابل فروتنی که آگور در سخنرانی آغازین ستایش می‌کند. بنابراین، او در ابتدا فروتنی را ستایش می‌کند و سپس با عمیق‌تر شدن در خرد پادشاه، بر او تمرکز می‌کند و به طور خاص بر نقش پادشاه تمرکز می‌کند. او همچنین در این میان لحنی تهدیدآمیز را در مشخص کردن موارد خاص می‌گنجاند.

و این را در ادامه خواهیم دید. و سپس به لموئیل، سخنان لموئیل، حکمت سلطنتی در فصل ۳۱ می‌رسیم. لموئیل زمینه‌ای سلطنتی و پایانی را برای کتاب ارائه می‌دهد.

گفتار او نثری فاخر و عبادتی ستوده را ارائه می‌دهد که با ترس از یهوه مشخص می‌شود. ترس از یهوه در آغاز برجسته است و در پایان این بخش دوباره برجسته می‌شود.

و ما به طور خاص در اینجا صدای مادر لموئل را در آغاز بخش پایانی داریم. و این صدای ضمنی مادر را در مقدمه متعادل می‌کند. و صدای ضمنی زن با شخصیت شریف را در پایان کتاب پیشگویی می‌کند.

بنابراین، این امر پایانی بر اندرز ابتدایی مقدمه است. پسر خردمند ایده‌آل اکنون پادشاه شده است و در حالی که به دنبال همسری با فضیلت غیرمعمول است، به ندای مادر تا حدودی خشمگین خود گوش می‌دهد. و با انجام این کار، همانطور که گفته شد، لموئیل اوج کاملی را برای کتاب امثال فراهم می‌کند، زیرا با نثی از تقوا و تعالی به پایان می‌رسد.

بنابراین، گفتمان او با اشارات متعددی به پادشاه و جامعه، نقش او در جامعه در فصل ۳۱ آیات ۱، ۳ و ۴ آغاز می‌شود. با این حال، او همچنین یک یادداشت هشدار دهنده، با لحنی تهدیدآمیز، در تصریح اینکه گفتمان، گفتمانی است که در آن مادرش او را اصلاح کرده است، گنجانده است. بنابراین، دوباره، ما این ایده اصلاح را داریم که بسیاری از بخش‌ها را در طول دوره آموزشی هفت مجموعه شکل داده است.

به نظر می‌رسد که در چندین مرحله از این مسیر، نتیجه‌گیری دوباره بر اصلاح و اینکه چگونه حکمت لزوماً حکیم مشتاق را اصلاح می‌کند، تمرکز می‌کند. در اینجا، این تنبیه ضمنی، تأکید بر اصلاحی را که قبلاً در این مراحل دیگر کتاب دیدیم، از جمله پایان سلیمان ۱ در ۲۲:۱۵، سخنان حکیمان در ۲۴، و همچنین نتیجه‌گیری سلیمان ۲ در فصل ۲۹ آیات ۱۷ و ۱۹، به یاد می‌آورد. مقدمه‌ها بر عدالت و درستکاری تمرکز دارند.

این فضایل همچنین در آموزه‌هایی که مادر لموئیل به او می‌دهد، بازتاب می‌یابند. او باید از نوشیدن مشروبات الکلی خودداری کند تا بتواند در رعایت حقوق فقرا به روشنی فکر کند. و بنابراین، باید خویش‌داری پیشه کند.

این بخش مهمی از آن اصلاح است. و لموئیل سخنرانی خود را با اشاره‌ای به حکمت و ترس از خداوند به پایان می‌رساند. و این پایانی شایسته برای برنامه حکمت است.

این کتاب با ترس از خداوند به عنوان آغاز حکمت آغاز می‌شود و با ستایش زنی با فضیلت غیرمعمول که مظهر این ترس از خداوند است، پایان می‌یابد. در این کتاب آمده است...: «جذابیت فریبنده و زیبایی بیهوده است، اما زنی که از خداوند می‌ترسد، شایسته ستایش است، از ثمره دستانش به او بدهید و بگذارید اعمالش او را در دروازه‌ها ستایش کنند». بنابراین، دوباره، ما از صدای ضمنی مادر، صدای خشمگین مادر لموئیل، به صدای ضمنی زنی که از خداوند می‌ترسد، یک دور کامل زده‌ایم. و بنابراین، حکمت یک دور کامل زده است.

من یک نمودار دارم که در مقاله نیز آمده است و با توجه به اندازه فونت، ممکن است دیدن آن دشوار باشد، اما این مروری است بر اینکه چگونه فکر می‌کنم حرکت خرد به ما کمک می‌کند تا پیشرفت و توسعه خطی آن را ببینیم. این در مقدمه در محیط خانه آغاز می‌شود. پدر، فرزانه اصلی است.

خرد زنانه برجسته است و حرکتی از بی‌تجربگی به تصمیم‌گیری محتاطانه در مورد همراهان مناسب وجود دارد. و درون‌مایه ترس از خداوند وجود دارد که آن بخش از کتاب را در بر می‌گیرد. و سپس به سلیمان ۱ می‌رسیم. سلیمان ۱ یک محیط گذار است.

پادشاه پدر، فرزانه‌ی اصلی است. شخص خردمند و خردمند برجسته هستند. و حرکتی از تیپ‌های شخصیتی ساده به پیچیده و از خانه به جامعه وجود دارد. بنابراین دوباره، یک حرکت بیرونی.

و سپس به سخنان حکیمان می‌رسیم. سخنان حکیمان ۱، سخنان حکیمان ۲. در اینجا ما یک محیط دربار سلطنتی و یک گروه یا کادر از حکیمان داریم که حکیمان اصلی هستند. آنها کسانی هستند که حکمت می‌دهند. آنها این کار را از طریق دستورات و اوامر انجام می‌دهند. انواع مختلفی از شخصیت‌های اجتماعی پست وجود دارد که برجسته هستند. حرکتی از مراحل اولیه تعامل اجتماعی به سمت آگاهی و تشخیص رو به رشد وجود دارد. و دوباره، ترس از خداوند در این بخش برجسته می‌شود.

سپس به سلیمان ۲ می‌رسیم. سلیمان ۲ دوباره یک فضای دربار سلطنتی است که بر پادشاه و دیگر حاکمان تمرکز دارد. حاکمان درستکار، فرزندان اصلی هستند. مقامات دربار سلطنتی برجسته هستند. حرکتی از ورود به دربار سلطنتی تا آگاهی فزاینده از کاستی‌های پادشاه و نیاز به عدالت و درستکاری وجود دارد.

بنابراین، باز هم، آن فضایل درستکاری، عدالت و درستکاری که باید در وجود فرزانه تجسم یابند، همیشه در وجود پادشاه تجسم نمی‌یابند. و بنابراین، فرد فرزانه باید یاد بگیرد که چگونه در دنیایی که این واقعیت در آن است، راه خود را پیدا کند. و سپس با گفته‌های آگور و لموئیل نتیجه‌گیری می‌کنیم.

در اینجا ما یک محیط دربار سلطنتی خارجی داریم و یک مشاور سلطنتی در شخص آگور و یک پادشاه عادل در شخص لموئیل به عنوان حکیمان اصلی داریم. در اینجا ما با مجموعه‌ای از معماها روبرو هستیم. نمونه‌های مختلفی از طبیعت و جامعه برجسته هستند.

تمرکز بر حیوانات و اشیاء جهان طبیعی بخشی از تمرکز می‌شود. حرکتی از محدودیت‌های خرد، که در آگور می‌یابیم، به سوی تاجگذاری خردمند، یعنی پادشاه و ملکه‌ی عادل که اکنون مظهر انواع صحیح کاربرد هنجارهای اجتماعی تورات و درستکاری، عدالت و درستکاری هستند، وجود دارد. و باز هم، ترس از خداوند مضمونی است که از مقدمه تکرار می‌شود.

بنابراین، برای خلاصه کردن آنچه استدلال کرده‌ام، پیشنهاد کرده‌ام که مقدمه‌ی امثال، یعنی هفت آیه‌ی اول، یک برنامه‌ی آموزشی را ترسیم می‌کند. این برنامه‌ی آموزشی با هدف سوق دادن خواننده‌ی ضمنی، که جوانی بی‌تجربه است، به سمت فضایل درستکاری، عدالت و درستکاری، به ویژه به منظور اعمال رهبری

اجتماعی-سیاسی، تدوین شده است. این الگوی برنامه‌ی درسی از این منظر بررسی شده است که چگونه درزهای آغازین و پایانی هفت مجموعه‌ی حکمت، این ایده‌ی خرد رو به رشد را پیش می‌برند.

یک خوانش متعارف ساختاری، به عبارت دیگر، که به شکل نهایی کتاب و ساختار ادبی آن نگاه می‌کند، که بر این درزهای ادبی بین این هفت مجموعه حکمت تمرکز دارد، سرخ‌هایی را ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد یک ترتیب عمدی وجود دارد. یک حرکت پویا وجود دارد که مشخصه یک رژیم آموزشی آگاهانه و عمدی است با گذراندن هفت دوره آموزش رهبری، فرد نابالغ کالو بالغ می‌شود و در نهایت آماده می‌شود تا با موفقیت از فشارها و دام‌های رهبری اجتماعی و سلطنتی عبور کند.

این جوان بی‌تجربه به تدریج این فضایل درستکاری، عدالت و درستکاری را که ریشه در ترس توأم با احترام از یهوه دارد، به نمایش می‌گذارد تا خود او به حکیم و رهبری برجسته تبدیل شود که این فضایل را در جامعه حفظ می‌کند، کسی که تجسم تورات و مظهر حکمت حقیقی است. و من امیدوارم و دعا می‌کنم که مطالعه، امثال به ما نیز در این تلاش برای کسب حکمت حقیقی که از شناخت و همراهی با خداوند حاصل می‌شود کمک کند.

من دکتر کایل دانهام هستم در تدریسش در مورد ساختار و الهیات امثال. این جلسه دوم، حکمت پیشرفته و کاربرد اجتماعی است.